

جمع‌بندی:

الف) با توجه به اینکه روایات مربوط به نجاست مطلق بول، منصرف به بول انسان است و با توجه به اینکه روایت عبدالله بن سنان، مطلق بول ما لا یؤکل لحمه را شامل می‌شود و لذا مسئله ما را در بر می‌گیرد

و با توجه به ارتکاز عرفی در وحدت حکم خمر و بول:^۱

حکم به نجاست بول و خمر حیوانات ما لا نفس له حرام گوشت قابل قبول است.

ب) اما گفته شد که دو دلیل ممکن است مخصص روایت عبدالله بن سنان شود: یکی روایت حفص بن غیاث و یکی روایت عمار ساباطی.

اما درباره روایت حفص، واقعیت آن است که اطلاق‌گیری از آن محل تأمل است.^۲ (اگرچه اگر به اطلاق آن تن دادیم، می‌توان آن را مخصص روایت عبدالله بن سنان قرار داد و مشکل عموم من وجه را یا با توجه به آنچه مرحوم خویی و مرحوم صدر گفته بودند حل کرد و یا با توجه به اینکه اگر روایت حفص بن غیاث را مقدم نداریم، و ادله نجاست مطلق میته و ادله نجاست مطلق بول ما لا یؤکل لحمه را مقدم کنیم، روایت حفص بی مصداق شود و از معنی ملغی گردد.)

و اما روایت عمار ساباطی: چنانکه گفتیم از ترک استفصال که در این روایت مطرح شده است می‌توان حکم به طهارت «بول و خمر هر حیوان غیر ذی النفس سائله» کرد (چرا که این روایت اگرچه در مقام بیان طهارت زیت و سمن در صورت وقوع میته در آن است ولی لازمه طهارت آنها طهارت بول و خمر ما وقع فیها است. چرا که متعارفاً حیوانات در هنگام افتادن در روغن، بلافاصله نمی‌میرند و مدتی در آن موجودند و اولاً ممکن است در این هنگام بول و خمر داشته باشند و ثانیاً در امعاء و احشاء آنها بول و خمر موجود است و با انفساخ آنها، این بول و خمر هم با زیت و سمن برخورد می‌کند. و از طرفی اجماع مرکب قائم است بر عدم الفرق بین حکم بول و خمر این حیوانات در حال حیات و پس از مرگ.)

^۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَوْلِ يُصِيبُ التُّوبَ فَقَالَ اغْسِلْهُ مَرَّتَيْنِ . [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۳۹۵، ح ۳۹۵۹]

وَعَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْبَوْلِ يُصِيبُ التُّوبَ قَالَ اغْسِلْهُ مَرَّتَيْنِ . [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۳۹۵، ح ۳۹۶۰]

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَدْخَلْتَ يَدَكَ فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ تَغْسِلَهَا فَلَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَصَابُهَا قَدْرُ بَوْلٍ أَوْ جَنَابَةٍ فَإِنْ أَدْخَلْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ وَفِيهَا شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ فَأَهْرِقْ ذَلِكَ الْمَاءَ . [وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۷۸]

^۲. ن ک: بحوث فی شرح العروة الوثقی (صدر)، ج ۳، ص ۴۹

ان قلت: موضوع مطرح شده در این روایات حیواناتی است که دارای لحم نیست.

قلت: مورد مخصص عموم پاسخ امام (ع) نیست، اصف الی ذلک آنکه «جراد» در عرف عرب دارای لحم بوده است.

اصف الی ذلک آنکه ممکن است مراد از «کل ما لیس له دم فلا بأس»^۱، آن نباشد که «لا بأس بموته فی الزيت و السمن». بلکه مراد چنین باشد: «کل ما لیس له دم لا بأس بمیتته» که در این صورت اصلاً لازم نیست فرض انفساخ بدن آنها را تصویر کنیم.^۲

ان قلت: رابطه این روایات با روایت عبدالله بن سنان (اغسل ثوبک من ابوال ما لا یؤکل لحمه) عموم من وجه است. قلت: به همان جهت که در کلام مرحوم خویی و مرحوم صدر مطرح بود، روایت عمار بر روایت ابن سنان حاکم است.

ج) پس: می‌توان به طهارت «بول و خمر حیوانات غیر ذی النفس السائله حرام گوشت» قائل شد.

مسئله ۱۵: حکم بول و خمر حیوانات ما له النفس السائله که بالعارض حرام گوشت شده‌اند (چه پرنده و چه غیر پرنده)

۱. چنانکه خواندیم مرحوم سید در عروة در این باره می‌نویسد:

«و لا فرق فی غیر المأكول بین أن یكون أصلياً كالسباع و نحوها، أو عارضياً كالجلال و موطوء

الإنسان، و الغنم الذی شرب لبن خنزيرة»^۳

۲. حضرت امام هم در تحریر می‌نویسند:

«البول و الخمر من الحيوان ذی النفس السائلة غیر مأکول اللحم ولو بالعارض، كالجلال و موطوء

الإنسان.»^۴

۳. چنانکه روشن است، حضرت امام به صراحت حکم را در ما له نفس سائله تصویر کرده‌اند و لذا می‌توان گفت

ایشان در «ما لیس نفس سائله» حرمت عارضی را یا قابل تصویر ندانسته‌اند و یا آن را موجب نجاست

نمی‌دانند

۱. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنِ الصَّدُوقِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنِ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْخَنَفْسَاءِ وَ الذُّبَابِ وَ الْجَرَادِ وَ النَّمْلَةِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ يَمُوتُ فِي الْبَيْتِ وَ الزَّيْتِ وَ السَّمَنِ وَ شَبَّهِهُ قَالَ كُلُّ مَا لَيْسَ لَهُ دَمٌ فَلَا بَأْسَ. [وسائل الشيعة، ج ۳، ص ۴۶۵، ح ۴۱۸۳]

۲. ن ک: بحوث فی شرح العروة الوثقی (صدر)، ج ۳، ص ۵۱

۳. العروة الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۱۱۷

۴. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۱۱۹



و همچنین است عبارت عروه که اصل مسئله را در حیوانات ما له نفس سائله تصویر کرده‌اند.

۴. از بزرگانی که بر عروه حاشیه زده‌اند؛ حضرت امام، مرحوم نائینی، مرحوم جواهری و مرحوم بروجردی ذیل گوسفندی که شیر خوک خورده است حاشیه زده‌اند: «حتّی اشدّ به لحمه»^۱ و مرحوم جواهری تصریح دارد که در غیر این صورت «اقوی کراحت است».^۲

۵. مرحوم آل یس، در این مسئله، ابتدا قید «اشتداد لحم» را مطرح می‌کند و سپس حکم به احتیاط در هرگونه شرب می‌کند. و در انتها می‌نویسد که این حکم اختصاصی به گوسفند ندارد و همه «انعام ثلاثه» (شتر، گاو و گوسفند) را شامل می‌شود.^۳

^۱. العروة الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۱۱۷

^۲. همان

^۳. همان